

Day and night



Points of lesson 6, read and learn carefully

word	translation
کلمه	ترجمه
Police chase thief	پلیس تعقیب می‌کند دزد رو
Cat chase mouse	گربه تعقیب می‌کند موش رو
Carpenter work with wood	نجار کار می‌کند با چوب
Sergeant soldier	گروهبان سرباز
officer	افسر
major	سرگرد
colonel	سرهنگ
General=commander	سردار
Application form	فرم استخدام
apply for a job	تقاضای کاری کردن
Accept=admit	پذیرفتن
Employee=personnel=clerk	کارمند
officials	رسمی (آدمهای با نفوذ)
big headed of the government	کله گنده های دولت
Officials of the company	روسای شرکت
officials of the government	سران دولت، افراد عالی رتبه دولت
Police Uniform	لباس فرم پلیس
accuse arrest	متهم کردن
convict penalty all rise	محکوم کردن، جریمه، قیام کنید
jail prison	زندان
Judge judgement	قاضی قضاوت
judge	قضاوت کردن

Handcuff standby	موقعیت دستبند، آماده باش
Traffic light	چراغ راهنمایی رانندگی سر چهارراه
zebra cross, pedestration	خط عابر پیاده، پیاده رو
Watch out , car is coming	بپا ماشین داره میاد
Cross the street=pass the street	عبور از عرض خیابان، رد شدن از خیابان،
go from one side to the other side	رفتن از یک طرف خیابان به طرفی دیگر
I'm crossing the street	دارم از عرض خیابان عبور میکنم
At noon=12 at midnight=12	ساعت ۱۲ ظهر ساعت ۱۲ شب
Some police take bribe divers	بعضی پلیسها باج میگیرین از رانندگان
Across the street	اون سمت خیابان
Cross the street	عبور کردن از عرض خیابان
On the corner	اون گوشه
Police fine drivers that break laws	پلیس جریمه میکند رانندگانی که قوانین را میشکنند
Have you ever been fined?	آیا تا به حال جریمه شده اید؟
You broke your promise	تو عهدت رو شکستی
Do you swear oath?	آیا تو قسم یاد میکنی؟
He is sentenced 100 lashes	او محکوم است به ۱۰۰ ضربه شلاق
His judgement was not fair	قضاوت او منصفانه نبود
Lawer, attorney	وکیل، وکیل مدافع
I persue the case	من مورد و پیگیری میکنم
Guilty=sinner confess	مقصر- گناه کار اعتراف کردن

Innocent man	مرد بیگناه
Bank robbery train robbery	سرقت از بانک سرقت از قطار
Hijack airplane	هواپیما ربایی
Burglar, stealer, rubber	دزد خانه، دزد، سارق
Steal, hijack, kidnap	دزدیدن، هواپیما ربایی، ادم ربایی
Pickpocket, Black mail from rich	جیب بر، اخاذی کردن از ثروتمندان

سوالات و جوابهای درس با ترجمه

1- What is job of a police? Police is responsible of security in society. Police job is to arrest burglar, stealer, rubber, pick pocket and criminals. Police is responsible of social discipline in city. Police help citizens to get their rights.

When a child is lost, he goes to police station and they look for his parents. Police fine drivers that break laws.

۱- شغل پلیس چیست؟ پلیس مسئول امنیت در اجتماع است. کار پلیس این است که دستگیر کند دزدان خانگی، دزدان مغازه یا کف زن ها، جیب برها، و مجرمین. پلیس مسئول نظم عمومی در شهر میباشد. پلیس به شهروندان کمک میکند تا حقشان را بگیرند. وقتی بچه ای گم میشود به ایستگاه پلیس میرود و آنها دنبال پدرمادرش میگردند. پلیس جریمه میکند رانندگانی را که قوانین را میشکنند.

2- Explain your daily routine? I usually get up at 7 o'clock, take a bath have breakfast and get dress and get to work at 8 o'clock. I start my job till 10 then I have break and have snack then continue my work till noon at 1 pm and have lunch with colleagues after that I do rest of my works till 4. I get on service bus, when I get home its 5 pm. I take a rest and go to gym 3 days a week from 6 to 8 and the other 3 days I go to English class. When I come home I'm really tired and have dinner, watch TV then go to bed.

۲- توصیف کنید کارهای روزانه تان را؟ من معمولا در ساعت ۷ بیدار میشوم. حمام میگیرم صبحانه میخورم و لباس میپوشم و میرسم سرکار در ساعت ۸. من شروع میکنم کارم را تا ساعت ۱۰، سپس زمان استراحت دارم و میان وعده میخورم و سپس کارم را تا ۱ ظهر ادامه میدهم و ناهار دارم با همکارانم بعدش بقیه کارهام را تا ۴ انجام میدهم. سوار سرویس میشوم، وقتی میرسم خانه ساعت ۵ بعد از ظهر میشود. استراحتی میکنم و میروم به باشگاه ۳ روز در هفته از ۶ تا ۸ و ۳ روز دیگر میروم به کلاس انگلیسی. وقتی میروم خانه من واقعا خسته هستم و شام میخورم، تلویزیون نگاه میکنم و بعد میروم بخوابم.

3-what's your father's job? My father's job is engineer.

۳- شغل پدر شما چیست؟ شغل پدر من مهندس است.

4- Who do you usually have breakfast with? I usually have breakfast with my family.

۴- با چه کسی معمولا صبحانه میخورید؟ من معمولا صبحانه میل میکنم با خانواده.

5- Explain your family please? (Age, job) I live with my parents , my dad is 52 years old he is retired engineer of MAZDA company, and my mother is a teacher, she is 45 years old.

۵- خانواده تان را توصیف کنید؟ من با پدرمادرم زندگی میکنم ، پدرم ۵۲ سال دارد . او مهندس بازنشسته شرکت بنز میباشد. و مادرم معلم هست. او ۴۵ سال دارد.

6- What another activities do you do? I also play music and paint.

۶- چه فعالیتهای دیگری شما انجام میدهید؟ من همچنین موسیقی مینوازم و نقاشی میکنم.

7- How do you go to work? School ? I go to work by train . my school has service bus.

۷- شما چطور میروید سرکار؟ مدرسه؟ من با قطار میروم سرکار. مدرسه من سرویس اتوبوس دارد.

8- Explain your job, what do you do exactly? I'm engineer in BENZ company when my father got retired I was employed after him in company.I design body,engine and new models of car.

۸- کارتون را توصیف کنید، دقیقا چطور کار میکنید؟ من مهندس هستم در شرکت بنز وقتی پدرم بازنشسته شد من استخدام شدم بعد از او در شرکت. من طراحی میکنم بدنه ، موتور و طرحهای جدید ماشین ها را.

9- Are you good with people? Well, I think yes I have good feeling to work with people. I'm patient and wise guy and respect the others.

۹- آیا با مردم رابطه خوبی دارید؟ خوب، من فکرکنم بله . احساس خوبی دارم با مردم کار کنم . من فرد صبور و محترمی هستم و به دیگران احترام میگذارم.

10- How many hours a day do you work? I work 8 hours a day and I never work on holyday because I work to have good life.

۱۰- چند ساعت تو روز کار میکنید؟ من کار میکنم ۸ ساعت تو روز و هرگز کارنمیکم تو تعطیلات چونکه کار میکنم تا زندگی خوبی داشته باشم.

11- What is your favorite program? My favorite program on TV is football match and scientific programs.

۱۱- برنامه مورد علاقه شما چیست؟ برنامه مورد علاقه من مسابقه فوتبال و برنامه های علمی هست.

12- what's your favorite job, food, color and why? My favorite job is sailor if I could, I liked to be sailor because I enjoy to work on sea and ocean .I like hamburger a lot for its taste, and my favorite color is yellow because it is color of happy, I get energy by wearing yellow clothes.

۱۲- کار، غذا، رنگ مورد علاقه شما چیست؟ شغل مورد علاقه من ملوانی هست اگر میتونستم من دوست داشتم که ملوان باشم چونکه لذت میبرم کارکنم رو دریا و اقیانوس. همبرگر زیاد دوست دارم برای مزش. و رنگ مورد علاقه ام

زرد است چونکه رنگ خوشحالی هست، من انرژی میگیرم از پوشیدن لباسهای زرد.

13- Who do you live with?1- I live with my mum and dad.

2- I am independent, I live by myself.

۱۳- با چه کسی زندگی میکنید؟۱- با مادرم و پدرم زندگی میکنم.۲- من مستقل هستم با خودم زندگی میکنم.

14- Do you like your family and job? I like my family because I'm happy to be with them. I like my job because it's relevant to my education and I have job satisfaction.

۱۴- دوست دارید خانواده و شغلتون را؟ من خانوادم را دوست دارم چونکه من خوشحال هستم که با آنها باشم.کارم را دوست دارم زیرا مرتبط با تحصیلاتم است و رضایت شغلی دارم.

15-What is your position at your job?I'm supervisor.I supervise producing lines and group of workers. Im manager in commercial department.

۱۵- جایگاه شما در کار چیست؟۱- من سرپرست هستم. من سرپرستی میکنم خطوط تولیدی و گروهی از کارگرها را۲- من مدیر قسمت بازرگانی هستم.

16-What is the job of a doctor?He visits patient,distinguish their problems, prescribes and operates .

۱۶-کار دکتر چیست؟ دکتر ویزیت میکند ، مشکل بیمار را تشخیص میدهد، نسخه مینویسد و عمل میکند.

17-what is the job of a fashion designer? Fashion designer designs newest clothes in the world of fashion, It's a kind of artistic job.

۱۷-کار طراح لباس چیست؟ طراح لباس طراحی میکند لباسهای جدید را در دنیای لباس ، یک کار هنری میباشد.

18- What is the job of a coach? Coach give practice, train players how to play and lead them to success.

۱۸- کار مربی چیست؟ مربی تمرین میدهد، به بازیکنها یاد میدهد چطور بازی کنند و رهبری می کند آنها را تا موفقیت.

19-what is the job of a captain? Captain is responsible of all happenings in ship, cargo ship or cruise ship. He is boss of ship. All personnel are at the the service of him.He must take all passengers safely to their destination.

۱۹- کار کاپیتان چیست؟ کاپیتان مسئول تمام اتفاقات در کشتی میباشد، کشتی باری یا مسافربری. او هست رئیس کشتی. تمام پرسنل هستند در خدمت او. او باید تمام مسافران را به طور امن به مقصدشان برساند.

Transcription

نسخه نوشتاری درس

Hi my name is Andy I live with my mum and my dad, and my sister Suzan
Suzan is 17 she is high school student, it's ok here really, this is my room, nice?
Weekdays I get up about six then I have breakfast with my family then I go to work, I drive to
work, I'm a police officer. This is the police station I start at 9 o'clock, it's a great job, I work
outside ,I work with people .at noon I usually go to lunch, at 1 o'clock I work again, at 5 I go home,
weekday nights I stay home I eat dinner, I read, I watch TV, I talk with Suzan, every night is the
same, but weekend are different, Friday, Saturday and Sunday I work at Ivories. I start it at 1
o'clock I'm a singer, but on Monday I'm a police officer.

سلام اسم من اندی هست و من با پدر مادرم و با خواهرم سوزان زندگی
میکنم. سوزان ۱۷ سال داره. او دبیرستانی هست. اینجا واقعا خوب. این
اتاقم هست خوب؟ روزهای هفته حدود ۶ بیدار میشوم سپس صبحانه میخورم با
پدر مادرم بعد میروم سرکار. تا کارم رانندگی میکنم. من با مردم کار
میکنم. من افسر پلیس هستم. اینجا ایستگاه پلیس هست. ساعت ۹ کارم را
شروع میکنم کار عالی هست. من بیرون کار میکنم. کارم با مردم هست. در
ظهر معمولا میرم ناهار. در ساعت ۱ دوباره کار میکنم. در ساعت ۵ میرم
خانه. شبهای هفته میمانم خانه، شام میخورم، کتاب میخونم ، تلویزیون
نگاه میکنم ، با سوزان صحبت میکنم . هر شب مثل هم هست، اما آخر هفته
ها متفاوت هست. جمعه ،شنبه و یک شنبه من در کلپ شبانه آیوری کار
میکنم . ساعت ۱ شب شروع میکنم کارم را . من خواننده هستم اما روز
دوشنبه من افسر پلیس هستم .

Paraphrase (explain on your own words)

با کلام خودتان توصیف کنید

The story was about a woman that lived with her parents and sister. Her sister was high school student. Her job was police. She had another job that on weekend was singer. Her job was helpful because helped people. actually she was traffic police. She warned passers that crossed street without attention to traffic light .she gave address to people who lost address. She also fined drivers that drove with high speed and broke laws.

As a matter of fact it's not important where you are, it's important that you are helpful for people.

داستان در مورد خانمی بود که با پدر مادرش و خواهرش زندگی میکرد. خواهرش بود شاگرد دبیرستانی. کار خودش پلیس بود. او کار دیگری داشت که در آخر هفته ها خواننده بود. کارش یاری دهنده بود چونکه کمک میکرد به مردم. در حقیقت او پلیس راهنمایی و رانندگی بود. او هشدار میداد به عابرینی که بدون دقت به چراغ از خط عابر پیاده عبور میکردند. و آدرس میداد به مردمی که آدرسشون را گم کرده بودند و جریمه میکرد رانندگانی را که با سرعت بالا رانندگی میکردند. در حقیقت مهم نیست کجا هستی ، مهم این هست که تو مفید باشی برای مردم.